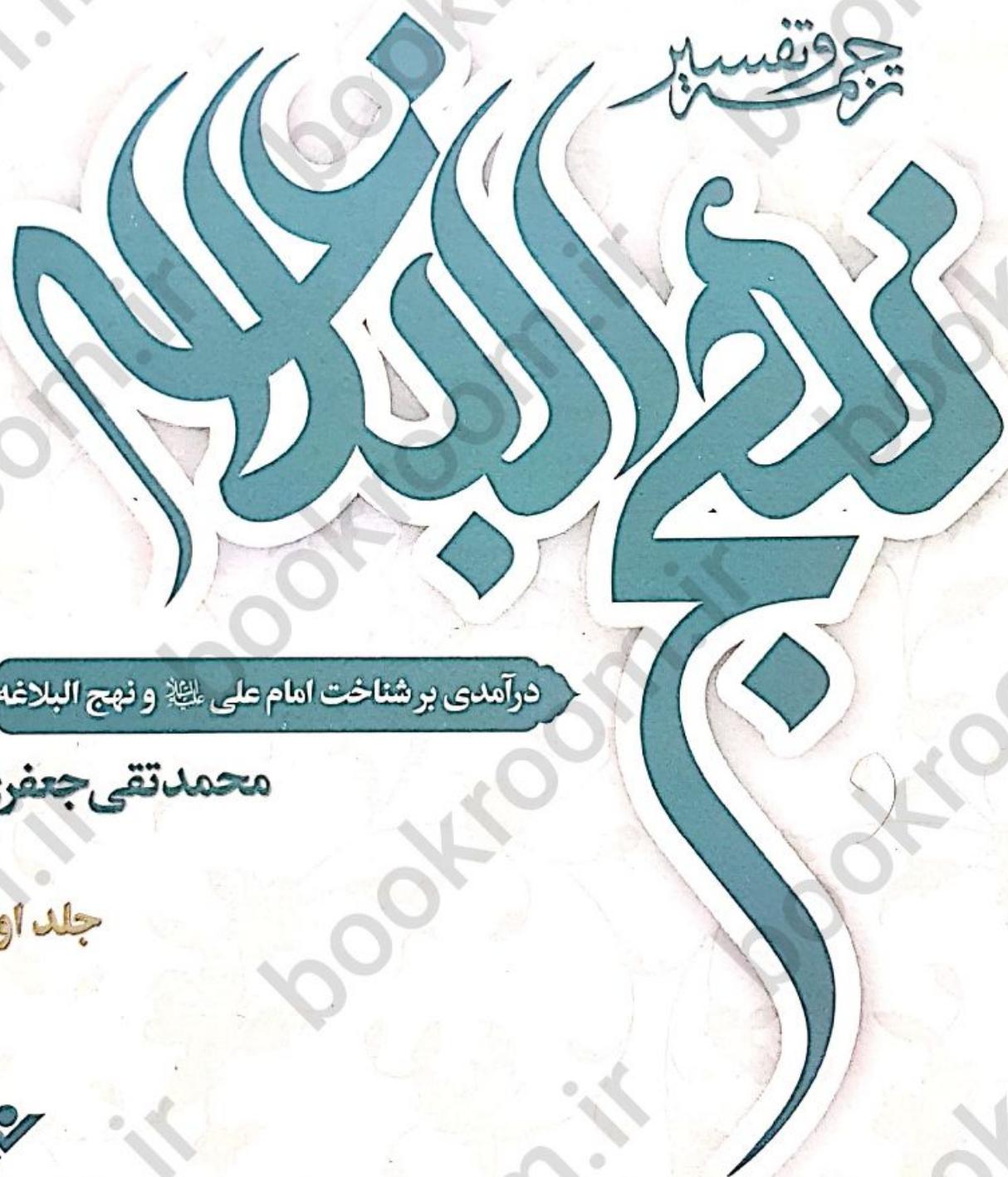


ترجم و تفسیر



درآمدی بر شناخت امام علی علیه السلام و نهج البلاغه

محمد تقی جعفری

جلد اول



## نمایه مطالب

۱۳.....	پیشگفتار.....
۲۱.....	فصل اول: رسالت انسانی.....
۲۱.....	مقدمه‌ای کوتاه.....
۲۲.....	رسالت انسانی از دیدگاه تاریخ.....
۲۵.....	رسالت انسانیت.....
۲۸.....	ماشینی نبودن انسان.....
۲۸.....	نوع یکم - مختصات یا ویژگی‌های انسان از نظر ماهیت.....
۳۲.....	نوع دوم - مختصات (ویژگی‌های) انسان از نظر رابطه با دیگران.....
۳۳.....	ماشینی بودن انسان.....
۳۵.....	اصول شش‌گانه برای اثبات انسانیت و نیاز آن به رسالت.....
۳۵.....	اصل یکم.....
۳۶.....	اعتراض به اصل یکم.....
۳۸.....	اصل دوم.....
۳۹.....	اصل سوم.....
۴۰.....	اصل چهارم.....
۴۰.....	اصل پنجم.....
۴۰.....	اصل ششم.....
۴۱.....	نتیجه کلی بررسی در اصول شش‌گانه.....
۴۲.....	رابطه رسالت با انسانیت.....
۴۳.....	ناتوانی مکاتب فلسفی درباره ضرورت رسالت انسانی.....
۴۵.....	دو عنصر اساسی رسالت انسان: «شناخت انسان» و «دگرگون کردن او در راه تکامل».....
۴۷.....	دو عنصر اساسی انسان.....
۵۱.....	تعريف رسالت.....

## ۶ / ترجمه و تفسیر نهج البلاغه (جلد اول)

۵۱	منبع رسالت.....
۵۲	ملأک برخورداری از رسالت.....
۵۴	پذیرنده رسالت.....
۵۵	هدف رسالت.....
۵۵	موضوع رسالت.....
۵۷	مدعیان رسالت‌های دروغین.....
۵۸	دو نوع رسالت جزئی و کلی .....
۶۱	مواد رسالت کلی.....
۶۱	۱. جهان هستی .....
۶۲	۲. معقول بودن جهان هستی .....
۶۳	۳. انسان در جهان هستی .....
۶۴	۴. انسان.....
۷۱	امتیازات جبری، مقدمه‌ای برای امتیازات تکاملی.....
۷۱	امتیازات جبری، عامل گسیختگی و جنگ، و امتیازات تکاملی عامل پیوستگی و صلح.....
۷۲	رابطه امتیازات جبری و امتیازات تکاملی.....
۷۳	فصل دوم: نگاه امام علیؑ به خدا .....
۷۳	خدا و جهان و انسان از دیدگاه علی بن ایطالبؑ .....
۷۷	رابطه خدا با انسان‌ها .....
۸۲	تقسیم‌بندی انسان‌ها.....
۸۸	توضیحی درباره سه صنف یا گروه از انسان‌ها از دیدگاه علیؑ .....
۸۹	صنف یکم - عالم ربانی .....
۹۴	ادامه توضیح درباره سه صنف یا گروه از انسان‌ها از دیدگاه علیؑ .....
۹۹	صنف دوم - متعلم یا دانش‌پژوهی است که درباره رستگاری می‌کوشد .....
۱۰۰	صنف سوم - مردم عامی ناآگاه و بی‌شخصیت که .....
۹۶	رابطه علیؑ با سه گروه ذکور .....
۹۸	یک تقسیم‌بندی دیگر از انسان‌ها.....
۹۹	نتیجه عبادت.....
۱۰۳	فصل سوم: رسول خداؐ از دیدگاه علیؑ .....
۱۱۶	جمع‌بندی مبحث .....
۱۱۹	تفاوت میان رسولان الهی و رسالت آنان، با نوایغ و رسالت آنان .....

۱۲۰.....	سه نوع شخصیت
۱۲۱.....	هماهنگی شخصیت‌های سه‌گانه
۱۲۲.....	یک) تمایز پیامبران از نوایخ، از نظر معرفت
۱۲۷.....	دو) تمایز پیامبران و نوایخ از نظر هدف‌گیری
۱۲۸.....	هدف‌گیری پیامبران
۱۳۰.....	دوران بعثت رسول خدا <sup>ع</sup> از دیدگاه علی بن ابیطالب <sup>ع</sup>
۱۴۰.....	انگیزه بعثت رسول خدا <sup>ع</sup> از دیدگاه علی <sup>ع</sup>
۱۴۵.....	آثار و نتایج بعثت پیامبر <sup>ع</sup> از دیدگاه علی <sup>ع</sup>
۱۴۶.....	دعای امیرالمؤمنین <sup>ع</sup> درباره پیامبر عظیم الشأن اسلام
۱۴۸.....	نزدیکی و همراهی امیرالمؤمنین <sup>ع</sup> با پیامبر <sup>ع</sup> در همه دوران زندگی
۱۵۰.....	نتایج مباحث مربوط به رسول خدا <sup>ع</sup> از دیدگاه امیرالمؤمنین <sup>ع</sup>
۱۵۳.....	فصل چهارم: شناسایی علی بن ابیطالب <sup>ع</sup> نماینده رسالت‌های کلی
۱۵۶.....	نمونه‌هایی از جملات شخصیت‌های ملل غیر اسلامی درباره علی <sup>ع</sup>
۱۵۶.....	۱. شبی شُمَّلٌ
۱۵۷.....	۲. جبران خلیل جبران
۱۵۹.....	۳. میخائیل نعیمه
۱۶۰.....	۴. ایلیا پاولیچ پتروشفسکی
۱۶۲.....	۵. جرج جرداق
۱۶۵.....	دیدگاه‌های برخی از متفکران و صاحب‌نظران اسلامی درباره امیرالمؤمنین <sup>ع</sup>
۱۶۵.....	۱. ابن سينا، حسين بن عبدالله:
۱۶۷.....	۲. حسن بن یسار بصری
۱۶۸.....	۳. ابن الحید
۱۷۱.....	۴. جلال الدین محمد مولوی، معروف به «مولانا»
۱۷۳.....	۵. محمد ابوالفضل ابراهیم
۱۷۳.....	۶. محمد عبده
۱۷۷.....	علی <sup>ع</sup> از دیدگاه توصیف خداوندی
۱۸۰.....	علی <sup>ع</sup> از دیدگاه محمد <sup>ع</sup>
۱۹۱.....	فصل پنجم: علی از دیدگاه علی <sup>ع</sup>
۱۹۱.....	دو اصل بسیار مهم در شناخت شخصیت‌ها

۱۹۷	نتیجه ادعاهای بی اساس و منحرف ساختن واقعیات؛ هلاکت انسان
۱۹۸	نادانی به خویشتن، اساس همه نادانی‌ها
۲۰۰	دروغ، علت زبونی و بی شخصیتی
۲۰۱	وصول به مقصد یا راه حق
۲۰۳	ناتوانی و ستمگری، عامل ارتکاب به زشتی‌ها
۲۰۴	حیات بر مبنای قانون
۲۰۶	آنچا که دین، پرده تاریکی روی واقعیت می‌کشد
۲۱۰	نشان دادن «حق» به علی <small>علیه السلام</small>
۲۱۲	شک و آگاهی از واقعیت
۲۱۴	عدم فریب خود و دیگران
۲۱۷	خودداری سازنده در برابر وحشت ویران‌گر
۲۲۰	بیانی درونی و یقین ربانی، مافوق همه امتیازات
۲۲۲	نگرش به دنیا
۲۲۴	رابطه علی <small>علیه السلام</small> با مردم
۲۲۸	وفا به عهد
۲۲۸	رهایی از حیله‌گری
۲۳۰	انحراف از هشیاری
۲۳۱	توجهی تبهکاری
۲۳۳	سبقت در کمال جویی
۲۳۵	رهایی از سپاس‌گزاری
۲۳۸	برتر از حق نبودن
۲۳۹	عنایت خداوندی
۲۴۰	ملوک خداوند
۲۴۲	سزاوارترین فرد
۲۴۳	خواسته اجتماع
۲۴۵	حق مردم بر علی <small>علیه السلام</small>
۲۴۵	حق یکم - خیرخواهی و خیراندیشی درباره شما
۲۴۵	حق دوم - تنظیم مسائل اقتصادی شما
۲۴۷	حق سوم - تعلیم عمومی شما
۲۴۸	حق چهارم - تأذیب و تربیت شما

۲۵۱.....	حق علی ﷺ بر مردم
۲۵۱.....	حق یکم - وفا به تعهدی که به زمامداری من بسته‌اید
۲۵۱.....	حق دوم - خیرخواهی درباره زمامدار در هنگام حضور و غیاب او
۲۵۱.....	حق سوم - پاسخ مثبت مردم به دعوت زمامدار و اطاعت از دستورات او
۲۵۲.....	ارزش ریاست
۲۵۶.....	خط مستقیم در میان پیچاپیچترین خطوط
۲۵۸.....	ملاک ذلت و عزت درباره همزیستی از دیدگاه پیشوای الهی
۲۶۲.....	ترس و وحشت از چه؟
۲۶۳.....	سستی برای چه؟
۲۶۶.....	هدف من از پذیرش زمامداری
۲۶۷.....	چراغی روشن گر فرا راه انسان‌ها
۲۷۱.....	شناخت رهبر واقعی
۲۷۳.....	ناخودساخته، خودساخته، خداساخته
۲۷۴.....	«از خود بیگانگی»، معلول طبیعی ناخودساختگی
۲۷۸.....	من نه اینم و نه آن
۲۸۳.....	فصل ششم: آری، چنین بود علی بن ابیطالب ﷺ
۲۸۵.....	هدف از شناخت علی از دیدگاه علی ﷺ
۳۴۵.....	فصل هفتم: علی ﷺ از دیدگاه جلال الدین محمد مولوی
۳۴۵.....	مقدمه‌ای در توضیح قرار دادن یک شخصیت در دیدگاه
۳۴۸.....	ضرورت بازشناسی علی بن ابیطالب ﷺ در هر زمان
۳۵۰.....	ابعاد شخصیت علی ﷺ در نگاه مولوی
۳۵۱.....	مورد یکم - خدو انداختن خصم بر روی علی ﷺ
۳۷۳.....	مورد دوم - فرموده پیغمبر درباره کشته شدن علی ﷺ
۳۷۷.....	حقایق بسیار مهم در ابیات مولوی
۳۸۱.....	الطف و مراحم انسانی امیر المؤمنین ﷺ درباره ابن ملجم
۳۸۳.....	لطفی فراتر و الاتر از لطف انسانی
۳۸۴.....	لحظاتی با علی ﷺ
۳۸۶.....	دلیل امتناع امیر المؤمنین ﷺ از مجازات ابن ملجم
۳۸۹.....	نگاه علی ﷺ به زمامداری
۳۹۷.....	مورد سوم - واقعه غدیر خم

۴۰۰	مورد چهارم - تحلیل وصیت پیامبر ﷺ به علیؑ
۴۰۴	شناخت عقل.....
۴۰۵	سؤالی درباره امتیازات عقل.....
۴۱۲	مورد پنجم - تحلیل سخن یک چهود با علیؑ
۴۱۳	مورد ششم - جایگاه نابکاران ظاهرساز و مکار.....
۴۱۴	مورد هفتم - پیروزی علیؑ در جهاد اکبر.....
۴۱۵	مورد هشتم - تحلیل سؤال آن زن از علیؑ
۴۱۶	مورد نهم - ماجراهی خیر.....
۴۱۷	مورد دهم - سر به چاه فرو بردن علیؑ
۴۲۰	مورد یازدهم - شیر حق بودن امیرالمؤمنین علی بن ابیطالبؑ
۴۲۴	مورد دوازدهم - رادمردی و جوانمردی علیؑ
۴۲۶	مورد سیزدهم - علی بن ابیطالبؑ شهسوار «هل آتی».....
۴۲۹	<b>فصل هشتم: بررسی و تحلیل جامعه دوران علیؑ</b>
۴۲۹	طرق شناسایی جامعه دوران حکومت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالبؑ
۴۳۰	۱. دوران پیش از ظهور اسلام.....
۴۳۵	۲. بعثت پیامبر، زمینه پیدایش مدینه فاضله.....
۴۳۷	۳. علیؑ و توصیف رسول خدا
۴۴۰	۴. پیامبر و ارائه راه وصول به کمال.....
۴۴۱	۵. نمونههایی از انسانهای کامل در زمان پیامبر.....
۴۴۲	لزوم بهرهبرداری از رسالت الهی.....
۴۴۳	برخورداری جوامع بشری از رسالت اسلام.....
۴۵۰	اختلاف نظر مردم درباره شناخت شخصیت الهی پیامبر اکرم و عظمت اسلام.....
۴۵۳	شایستگی زمامداری علیؑ.....
۴۵۹	آشوبهای دوران خلافت علیؑ
۴۶۳	از عهده برنیامدن جوامع بشری از آزمایش الهی.....
۴۶۶	مواجهه علیؑ با بحرانها.....
۴۷۰	برطرف نکردن ناگواری‌ها و نابسامانی‌های جامعه با روش ماکیاولی.....
۴۷۹	<b>فصل نهم: طرق اثبات و ارائه واقعیات و دستور و تحریک به پیمودن مسیر کمالات در نهج البلاغه</b> .....
۴۸۰	ارتباط شخصی امیرالمؤمنین با واقعیات و رفتار شخصی او در زندگی .....

۴۸۴.....	واقعیت محتویات سخنان امیر المؤمنین <small>علیه السلام</small> در نهج البلاغه
۴۸۴.....	۱. بیان واقعیات با اصول و قوانین بنیادین
۴۸۹.....	تفاوت میان تعریف و استدلال منطقی، و توصیف و استدلال و ارشاد حکیمانه
۴۹۱.....	۲. مبانی توصیف (تعریف) واقعیات در نهج البلاغه
۵۰۲.....	۳. مبانی استدلال در نهج البلاغه
۵۰۲.....	استدلال‌های منطقی و انواعی دیگر از استدلال‌ها
۵۰۸.....	مبانی استدلال‌های هفت‌گانه در نهج البلاغه
۵۲۰.....	۴. ارشاد
۵۲۰.....	نمایه آیه‌ها
۵۲۷.....	نمایه روایت‌ها
۵۲۹.....	نمایه نام‌ها
۵۳۷.....	نمایه کتاب‌ها

## هوالعظيم

### پیشگفتار

با صراحة و قطع یقین می‌توان گفت که ورود به آستان قدسی شخصیتی چون علی بن ایطالب علیه السلام در شمار انسانی کامل که تمام گفتار و کردارش حق بود و در زندگی پرفراز و نشیب خود، لحظه‌ای از حرکت بازنمانده بود، بسیار دشوار است؛ خصوصاً اگر بخواهیم درباره رسالت انسانی -الهی او صحبت کنیم. زندگی سراسر پرتلاش و مشقت آن شخصیت الهی نشان می‌دهد که برای انسان رسالتی وجود دارد و این رسالت، حقیقتی است به نام «انسانیت». اساسی‌ترین عنصری که انسان را از غیر انسان جدا می‌کند، عنصر «آنچنان که باید باشد»، است که ناب‌ترین مختص یا ویژگی آدمی است. اگر عمر همه جهان هستی، میلیاردها میلیارد برابر عمر واقعی اش باشد، هیچ روزی فرانخواهد رسید که یک جزء از این جهان یا کل مجموع هستی، آگاهانه و از روی احساس آزادی، جریانی به عنوان «آنچنان که باید باشد» داشته باشد. تنها انسان است که می‌گوید: من باید عادل شوم، من باید به آن قدرت دست بیابم، من باید آن زیبا را در اختیار داشته باشم، و به طور کلی من باید آن عنصر خیر و کمال را به دست بیاورم... در این مسیر باید به موضوع «هدف و وسیله» توجه ویژه‌ای مبذول داشت، چرا که برای اعتلای آرمان‌های انسانی، از هر وسیله‌ای برای رسیدن به هدف نمی‌توان بهره گرفت. این موضوع را در زندگی اجتماعی و سیاسی علی بن ایطالب علیه السلام به وضوح می‌بینیم که او برای وصول به اهداف و آرمان‌هایش، به هر وسیله‌ای متول نشد و رعایت همین مسئله و شدت عدالت او، علت اساسی کوتاهی مدت زمان زمامداری او بود.

آری، ما با چنین شخصیتی روبرو هستیم که گفتار و کردارش راست و جداکننده حق از باطل بود. این گونه است که می‌بینیم چهره تابناک آن شخصیت الهی، با گذشت قرون و اعصار مت마다 در خشان‌تر می‌شود و هرچه زمان می‌گذرد، لا بلای سطوح شخصیت او آشکارتر می‌شود. همین راز در عمق فکری آن پیشتأز الهی نهفته است که قرن‌ها و عصرها، جویندگان حقیقت را گرد مشعل وجودی خویش جمع کرده و با رسانه‌های سخن‌ها و حکمت‌ها و گویاترین اندیشه‌های انسان‌شناسی و هستی‌شناسی، آن امام همام را در ردیف اول متفکران قرار داده است. دانشمند بزرگی چون ابن سینا با همین جویندگی حقیقت بود که او را مرکز حکمت و فلک حقیقت یافت:

و برای این بود که شریف‌ترین انسان و عزیزترین انبیاء و خاتم رسولان علیهم السلام چنین گفت با مرکز حکمت و فلک حقیقت و خزانه عقل، امیرالمؤمنین، که: ای علی! چون مردمان در تکثیر عبادت رنج برند، تو در ادراک معقول رنج بر تا بر همه سبقت گیری، و این چنین خطاب را جز چون او

بزرگی راست نیامدی که او در میان خلق چنان بود که معقول در میان محسوس. لاجرم چون با دیده بصیرت عقل مُدرِک اسرار گشت، همه حقایق را دریافت و دیدن حکم داد و برای این بود که گفت: «اگر پرده برداشته شود، بر یقین من افزوده نگردد».

هیچ دولت، آدمی را زیادت از ادراک معقول نیست. بهشتی که به حقیقت آراسته باشد به انواع زنجیل و سلسیل، ادراک معقول است و دوزخ با عقاب، متابعت اشغال جسمانی است که مردم در بند هوا افتند و در جحیم خیال بمانند.<sup>۱</sup>

اگر به دنبال یک انسان‌شناس والا و بزرگی می‌گردیم که در طول قرون و اعصار هرگز مانند او دیده نشده، ولی او همه انسان‌ها را دیده است، بی‌شک نام علی بن ایطالب علیل را خواهیم دید که به طول تاریخ انسانی زیسته است. او اگرچه به اندازه همه گذشتگان عمر نکرد، اما در کارهای آنان نگریست و در اخبارشان اندیشید و در آثارشان سیر کرد، به گونه‌ای که گویی یکی از آنان بوده است. صاف آن (دنيا) را از تیره‌اش و نفع آن را از ضررش و حق آن را از باطلش شناخت و برای ما از هر امری، صاف و خالصش را و از هر چیزی زیباش را برگزید و مجھولش را از ما برگرداند.

این انسان‌شناس بزرگ، در تمام عمر شریف‌ش، همواره انسان و جهان را از افقی بالاتر می‌دید و از نگاه‌های سطحی دم دستی که انسان را تا حد یک گوریل باهوش و جانداری شبیه گاو نر تنزل می‌دهد، بری بود. او قلوب انسان‌ها را می‌دید که چگونه با خودخواهی‌ها و سودجویی‌های شخصی، تاریک و تاریک‌تر می‌شدند. این بزرگ بزرگان، در راه خدا آن‌چنان که شایسته بود، جهاد کرد و در راه خدا، ملامت هیچ ملامتگری مانع کار او نبود. برای نیل به حق و حقیقت، هرجا که بود، در حوادث شدید غوطه‌ور شد و حقایق دین را فرا گرفت و در آنها تفقه کرد و نفس خود را به تحمل آنچه ناگوار بود، عادت داد؛ و چه اخلاق نیکویی است شکیایی در مسیر حق! و نفس خود را در همه امور زندگی به خدایش پناهنده کرد و با این پناهندگی، نفس خود را به جایگاهی محکم و امن وارد ساخت.

باید بگوییم: کلمات شریف نهج‌البلاغه از مهم‌ترین آثار فرهنگ اسلامی است، چرا که کلمات امیرالمؤمنین علی علیل در مجموعه نهج‌البلاغه، فراسوی زمان است که هرگز فرسودگی راهی به آن ندارد. به طور قطع، آنچه در این مجموعه گردآوری شده، هم از سنخ اندیشه است و هم از سنخ دریافت. همین دو ویژگی سترگ بوده است که اندیشمندان متعددی را برای کاوش در این اقیانوس بی‌کران، به تلاش و تکاپویی خستگی ناپذیر واداشته است. تاکنون ترجمه‌ها و شرح‌های متعددی بر این مجموعه عظیم نگاشته شده و به رشتة تحریر درآمده است که در حد خود قابل تحسین است. علامه

۱. این سینا، رساله معراجیه، ص ۱۵؛ توفیق التطبيق، علی بن فضل الله الجیلانی، ص ۵۶.

محمد تقی جعفری نیز به عنوان یکی از وادی‌پیمایانانِ مسیر وجودی علی بن ابیطالب<sup>علیه السلام</sup>، با عشقی سوزان به آن شخصیت الهی، کوشید تا در این اقیانوس عظیم، گوهرهایی از جنس حقیقت و واقعیت را استخراج کند. او برای ورود به این اقیانوس عظیم، نخست لازم دید که از رودخانه مثنوی معنوی عبور کند، تا مقدمات و شرایط ورود به اقیانوس بی‌کران اندیشه‌های شخصیت تکامل‌یافته‌ای چون علی بن ابیطالب<sup>علیه السلام</sup> را دریابد.

می‌توان گفت: در میان شرح‌های متعددی که در عصر حاضر بر نهج البلاغه نگاشته شده، ترجمه و تفسیر محمد تقی جعفری یکی از مهم‌ترین شروح به شمار می‌رود. ایشان عمری را به بررسی آراء و اندیشه‌های متفکران و فیلسوفان و عارفان شرق و غرب گذرانده و ده‌ها اثر ارزشمند را پدید آورده است و در دو دهه آخر عمر پربار خویش، همزمان با بسیاری از کارهای علمی، دینی و اجتماعی، بیشتر کوشش و همت خود را مصروف ترجمه و شرح نهج البلاغه کرده بود. بهره‌گیری از منابع متعدد تشیع و تسنن، تفاسیر، تواریخ، دواوین، به ویژه از مثنوی معنوی و سخنان و نوشته‌های نویسنده‌گان و پژوهشگران خارجی، از امتیازات این مجموعه است. صاحب اثر به علت نوع بینش عمیق و همه‌جانبه‌ای که داشت، در این تفسیر کوشید تا ابعاد مختلف فلسفی، کلامی، عرفانی، فقهی، حقوقی، جامعه‌شناسی، فلسفه سیاسی، فلسفه حقوق و روان‌شناسی کلام مولی امیرالمؤمنین<sup>علیه السلام</sup> را دریابد. توجه به همین ابعاد است که ترجمه و تفسیر جعفری را از سایر شروح گذشته و معاصر، تمایز می‌کند. ایشان در مواجهه با متن نهج البلاغه می‌کوشد تا با در نظر گرفتن شرایط زمانی، مکانی، قرینه‌های لفظی و غیر لفظی، درک مخاطبان مستقیم کلام مولی<sup>علیه السلام</sup> و موقعیت تاریخی آنان، و معنایی که از کلام آن حضرت در ذهن آنان نقش می‌بندد، نزدیک‌ترین تفسیر و شرح را در اختیار خواننده قرار دهد.

همچنین، توجه به سند سخنان امام<sup>علیه السلام</sup> و اثبات موثق بودن آنچه در نهج البلاغه گردآوری شده، از دیگر امتیازات این شرح است، و او با پیگیری آسناد خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمت‌های این مجموعه که در ابتدای ترجمه و به همراه مقدمه سید رضی آورده، می‌کوشد تا خواننده را مطمئن سازد که بدون تردید آنچه در نهج البلاغه گرد آمده، از آن امام<sup>علیه السلام</sup> است. همچنین، او بر آن است که در فهم کلام امیرالمؤمنین<sup>علیه السلام</sup> نمی‌توان از قرآن کریم و کلمات و روایات نبوی چشم پوشید. لذا، در جای جای این شرح، استناد به قرآن کریم و روایات به چشم می‌خورد که منبعی ارزشمند برای شناخت نهج البلاغه است.

عمق مطالب و شیوه‌ای قلم استاد جعفری نشان می‌دهد که گویا سالیان سال در کنار امیر مؤمنان<sup>علیه السلام</sup> زندگی کرده و در فراز و نشیب‌های زندگی آن حضرت، چون سایه‌ای به دنبال او بوده، ارزش انسان و مقام و موقعیت او را در جهان هستی از افق چشمان علی<sup>علیه السلام</sup>، به زیبایی و روشنی هرچه تمام

نشان داده است. ایشان به راستی زبان حال امیر مؤمنان علیه السلام بود که ارتباطات چهارگانه انسان‌ها را از دیدگاه آن شخصیت الهی مطرح کرده و عظمت تکلیف، تعهد و وجودان را که عناصر سازنده کاخ شخصیت آدمی است، به خوبی در دیدگاه مخاطب قرار داده است.

این پیشگفتار را با کلمات علامه محمدتقی جعفری تکمیل می‌کنیم که در شمار وادی‌پیمایان مسیر وجودی علی بن ابیطالب علیه السلام بوده و جلوه‌های نورانی و حکمت‌آمیز این بزرگ بزرگان در عرصه انسان و زندگی، برای او پویاترین سلوک‌ها و پویش‌ها را به وجود آورده بود:

ای فرزند ابیطالب!

سلام خدا بر تو باد ای انسان بزرگ. گفتار و زندگی تو، فروغ امید بر دل‌های آدمیان تابانده و یأس و بدینی را از مغز مردم هشیار و پریشان برطرف می‌کنی. ای بزرگ بزرگان! سخنان تو، خود گویای آن است که صفا و لطافت روحی تو در حدی است که توانسته است مانند یک جویبار، وسیله انتقال آب حیات معارف الهی بر کشتزار مغز و قلب انسان‌ها باشد. ای بزرگ‌ترین انسان‌شناس بعد از پیامبر:

ور نبودی حلق‌ها تنگ و ضعیف  
غیر این منطق لبی بگشادمی  
گوییم اندر مجمع روحانیان  
فارغ است از مدح و تعریف آفتاب  
که دو چشمم روشن و نامُرد است<sup>۱</sup>

گر نبودی خلق محجوب و کثیف  
در مدبیحت داد معنی دادمی  
مدح تو حیف است با زندانیان  
مدح تعریف است و تخریق حجاب  
مادح خورشید مداع خود است

تو ستاره‌ای هستی به روشنایی آفتاب و زیبایی مهتاب که وجودت عالمتاب است و شعاعت وسعتی پر فروغ دارد. ای معشوق هشیاران تاریخ! تو بودی که عمری در نجات دادن انسان‌ها از درد «از خودبیگانگی» به تکاپو افتادی و رنج‌ها کشیدی و دست از لذایذ دنیا برداشتی و از سروری و زمامداری جهانی بزرگ، چشم پوشیدی!

مگر تو نبودی که در راه آشنا کردن انسان‌ها با «منِ حقیقی» شان و تعهد فطری که درباره تکامل خویش داشتند، کوشش‌ها کردی تا خود از دست رفته آنان را به خودشان بازگردانی؟ تاریخ، کسی جز تو سراغ ندارد که برای آشنا کردن انسان‌ها با «منِ حقیقی» شان، این همه جلال و جمال و ارزش در «منِ حقیقی» را نشان بدهد.

هیچ جای تردید نیست که ما نمی‌توانیم شخصیت باعظامت تو را مانند شخصیت‌های یک‌بعدی تاریخ نشان دهیم و کتابت نهج‌البلاغه را هم به عنوان کتابی که یک شخصیت یک‌بعدی از خود

۱. متنی معنی، دفتر پنجم.

به یادگار گذاشته است، تلقی کنیم. نهج‌البلاغه که سخنان تو را بازگو می‌کند، بدون تردید زایده قرآن مجید است.

آری، با نگاهی دقیق به سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام در نهج‌البلاغه، مطالبی که مطرح می‌شود، یا خود به شکل اصول و قوانین بنیادین است که درباره جهان و انسان مطرح شده است و یا مسانلی مطرح می‌شود که مستند به اصول و قوانین بنیادین است. این استناد گاهی صریح و پیوسته به مسننهای است که مطرح شده و گاه بیان مسنله به صورتی است که با شفافیت و صیقلی بودن، خود آن اصول را نشان می‌دهد.

ما با انسانی سروکار داریم که هدف اعلایی برای زندگی دارد؛ زمامداری که عادل مطلق است؛ دارای معرفتی در حد اعلا درباره انسان و جهان؛ وابستگی به مبادی عالی هستی؛ خود را جزئی از انسان دیدن؛ وابستگی مستقیم به خدا؛ تقوا و فضیلت در حد اعلا؛ پاکی گفتار و کردار و اندیشه و نیت پاک ... و دهها امتیازات از این قبیل که در علی بن ابیطالب علیه السلام به اتفاق تمام تواریخ ثبت شده است، قابل توضیح و تفسیر با مفاهیم و ارزش‌های معمولی نیست، زیرا برای آن جامعه و یا افرادی که زندگی چیزی جز تورم «خود طبیعی» نیست، عناصر شخصیت و امتیازات علیه السلام و کتابش، خیالاتی بیش نخواهد بود.

در کتاب نهج‌البلاغه، امیرالمؤمنین علیه السلام درباره موضوعات گوناگون سخن می‌گوید: توحید، و به صورت کلی مسائل الایات، زیربنای حقوق و اقتصاد اسلامی، جنگ و میدان‌های خونین آن، زهد و تقوا و اعراض از دنیا و نپرستیدن آن؛ تهدید می‌کند، بشارت می‌دهد، مسائل سیاسی و اجتماعی مربوط به سیاست را مطرح می‌کند، داستان می‌سراید، اخلاقیات می‌گوید، روز رستاخیز را مجسم می‌کند، کیفر و پاداش در سرای جاودانی را گوشزد می‌نماید، پیشگویی‌ها دارد، موجودیت انسان را در این جهان و زندگی تعریف می‌کند، چهره‌های گوناگون انسان را در جهان هستی نمایان می‌سازد و با این حال، همه این گفتارهای گوناگون، با یک سبک و از یک دل برآمده است که: دل تنها یک رو دارد و آن هم رو به سوی بارگاه الهی است. به تعبیر جلال الدین محمد مولوی: همه این مسائل گوناگون، عطر عشق منتشر می‌کنند.

... شخصیت امیرالمؤمنین علیه السلام چنان رنگ الهی به خود گرفته بود که برای او میدان جنگ با محرباب عبادت، و اندیشه در الایات تفاوتی نداشت ... در هر یک از موضوعاتی که سخن می‌گوید، گویی تمام زندگی علیه السلام در همان موضوع سپری شده است.

\*\*\*

در امتداد مطالعات خود در دوران تحصیل در حوزه و پس از آن در مسیر کارهای علمی، پی بردم

که نهج‌البلاغه به روابط چهارگانه انسان پرداخته است و با حالات و اشرافی که امیرالمؤمنین علیه السلام داشته‌اند، از موضوعات چهارگانه ارتباط انسان با خویشن، ارتباط انسان با خدا، ارتباط انسان با هستی و ارتباط انسان با همنوع سخن گفته است.

... در آن هنگام که تفسیر و نقد و تحلیل مثنوی را شروع کردم، عده‌ای از دوستان می‌گفتند که شما چرا به جای تفسیر و نقد و تحلیل مثنوی، تفسیر نهج‌البلاغه را شروع نکرده‌اید؟ گفتمن: این نوع تحلیل و تفسیری که در رابطه با مثنوی می‌خواهیم شروع کنیم، شاید بی‌سابقه باشد و گفتمن: وقتی مثنوی تمام شود، نهج‌البلاغه را شروع خواهیم کرد. در حقیقت، طرح مثنوی که دارای معارف بسیار فراوانی از اسلام است، می‌تواند برای ما راهگشا و مقدمه‌ای جهت شناخت نهج‌البلاغه باشد.

کوشش، تلاش و نیایش ما به خدا بسیار بیشتر است که: خدایا! ما اشتباه نکنیم، که این ولی اعظم توست. به ما محبت فرمای که به این کار همت پیدا کنیم، تا بتوانیم از خودمان شرمنده نشویم و بتوانیم به توضیح و تفسیر جملات مولا علی علیه السلام دست بزنیم. کلمات نهج‌البلاغه باید خودش تنزل بکند تا بیان گر روحیه امیرالمؤمنین علیه السلام باشد، چه رسد که ما بیاییم آن را تفسیر کنیم. چه کنم؟ همین مقدار از خدا خواستم که انساء الله تعالی بتوانیم انجام دهیم و امیدواریم که در این راه، خداوند توفیق بدده و روح امیرالمؤمنین علیه السلام یار باشد که حداقل مخالف مقاصد آن حضرت گام برنداشته و شرح نداده و تفسیر نکنیم.

در پایان این بخش از مطالب علامه جعفری، به سخنی دردمدانه از ایشان در مجلدات پایانی ترجمه و تفسیر نهج‌البلاغه که از اعماق جان و دل ایشان برآمده است، دل می‌سپاریم و همنوا می‌شویم:

امیرالمؤمنین علیه السلام در سخنان مبارکش بارها و بارها صلاح و فساد مردم را با کمال اخلاص و آگاهی و صراحة بیان می‌فرمودند؛ خصوصاً با توجه به اینکه هیچ کس در خلوص و آگاهی همه‌جانبه آن بزرگ بزرگان تردیدی به دل راه نمی‌داد، زیرا دشمن و دوست، روح الهی آن محبوب خداوندی را درک می‌کرد و همان‌گونه که در همین نهج‌البلاغه تصریح فرموده است: مخالفین ویا موافقین بی‌اراده و دنیادوست نتوانسته بودند کمترین اشکالی بر زندگی فردی و اجتماعی و دینی و اخلاقی و سیاسی آن بزرگوار مطرح کنند. دوران زمامداری امیرالمؤمنین علیه السلام نه تنها برای مردم آن دوران و نه تنها برای جوامع اسلامی برای همیشه، بلکه فرصتی بود برای بشریت در همه طول تاریخ که از دست رفت و هیچ علتی جز خودکامگی، خودخواهی‌ها و سلطه‌پرستی درنده‌خویان نداشت که نگذاشتند این انسان کامل رسالت کامل خود را در اختیار انسان‌ها بگذارد و سپس دیده از این

جهان بربند و به دیدار محبوش بستا بد. اگر «تیه» (گمراهی)<sup>۱</sup> بنی اسرائیل در بیابان‌ها چهل سال بود، ما مسلمانان در حدود هزار و چهارصد سال در «تیه» (گمراهی) می‌گذرانیم و هنوز هم سلطه‌گران این جوامع، چنان از خود بیگانه هستند و چنان مست شده و خود را باخته‌اند که نمی‌دانند چگونه و چرا و چه مدتی است که در «تیه» سرگردانند!

\*\*\*

آنچه ما را بر آن داشت تا بازبینی جدیدی بر مجموعه ۲۷ جلدی ترجمه و تفسیر نهج‌البلاغه انجام دهیم، جداسازی اصل ترجمه و تفسیر از توضیحات مقدماتی و میانی آنهاست که عمدتاً مباحث فلسفی، کلامی، عرفانی، فقهی، حقوقی، جامعه‌شناسی، فلسفه سیاسی، فلسفه حقوق و روان‌شناسی بوده و در کلام مولی امیرالمؤمنین علیه السلام مستتر است و ما باید این مسئله را در نظر داشته باشیم که کلمات نورانی آن بزرگ بزرگان، بر اساس چه مقدمات، علل و عواملی بر زبان مبارکشان جاری شده است. لذا، دانستن این مقدمات و علل که عمدتاً ریشه در مباحث مذبور دارد، ما را در فهم بهتر کلمات نورانی آن ولی اعظم یاری می‌کند. سبک و سیاق نثر استاد محمدتقی جعفری در این مجموعه چنین بوده است که ایشان در ذیل تفسیر فراز خطبه‌ها، به مقدمات و علل آن کلمات نورانی اشاره کرده و می‌توان گفت که این شرح و تفصیل علل و مقدمات، راهگشای فهم آسان خطبه‌هاست. از این‌رو، با توجه به حجم زیاد این مطالب و اینکه رسیدن به موضوعات و اصل مفهوم ترجمه و تفسیر کلمات نهج‌البلاغه، گاهی برای اهل تحقیق و پژوهش کمی دشوار و زمانبر بود، لذا در چاپ جدید این مجموعه، برخی از آن مطالب از مجلدات استخراج و در ذیل مباحث «مجموعه آثار» منتشر شده، و برخی دیگر از جمله مباحث: «انسان‌شناسی»، «فلسفه اخلاق» و «دین‌شناسی»، در حال آماده سازی است.

پیشنهاد اولین مرحله توبیب، تدوین و تنظیم مجموعه ۲۷ جلدی تفسیر نهج‌البلاغه، به سال ۱۳۷۵ خورشیدی بازمی‌گردد که با موافقت صاحب اثر، در دستور کار این انتشارات قرار گرفت. در حین بازبینی مجدد مجموعه ترجمه و تفسیر نهج‌البلاغه، گاهی مشاهده می‌شد که به علت اشتباہات فراوان در چاپ‌های قبلی، برخی مطالب جایجا شده و در صفحات یا مجلدات دیگر چاپ گردیده است که در این خصوص ضمن دقت در اصل مطالب، اصلاحات لازم صورت پذیرفته است.

مؤلف گاهی ذیل تفسیر خطبه‌ها، نقل قول‌هایی را از صاحب‌نظران و متفکران ذکر کرده‌اند که منابع آن در پاورقی‌ها درج نشده است. لذا، در انتشار جدید این مجموعه، حتی الامکان موارد نظر اصلاح شده، و نیز برخی اوقات ابتدا و انتهای نقل قول‌ها غیر قابل تشخیص و با مطالب اصلی

۱. اشاره به فرازی از خطبه ۱۶۶ است که می‌فرماید: «لَيَكُنْ تَهْمَةً مَّتَاهَةً بَنِي إِسْرَائِيلَ، وَلَعْنَرِي لَيُضَعَّفَنَّ لَكُمُ الْثَّيْمَةُ مِنْ بَغْدِي...» لکن شما گمراه شدید، مانند گمراهی و سرگردانی بنی اسرائیل. و سوگند به جانم! سرگردانی شما پس از من چند برابر خواهد شد.

استاد آمیخته بود که در این مورد نیز سعی شده است تمایز و تفکیک آن از متن تفسیر مشخص باشد.  
به طور کلی، با اصلاح غلط‌های املایی و تایپی در متن‌های عربی و فارسی، و نیز ویرایش علمی و فنی انجام شده در تمام مجلدات، کوشش شده است تا علاوه بر حفظ و رعایت امانت در نوشه‌های صاحب اثر، خوانش و برداشت دانش‌پژوهان ارجمند با سهولت انجام پذیرد.

در پایان، ضمن سپاس ویژه از جناب آقای عبدالله نصری بابت تدوین و تنظیم این مجموعه، از سروزان گرامی و ارجمند، آقایان: منوچهر صدوقی سها، موسی حسنی، محمود معرفت، محمد ابراهیم مالمیر، علی اسکندرپور، رامین نعمتی، مهدی فراهانی، اباذر جعفری، امیر رضا جعفری، محمد احمدی و نوید الدین صلواتی، و خانم‌ها: زهره محمدعلی، میترا رفیع‌زاده، فریده نظری، زینب ظرافتی، سارا تقی‌پور محمدآبادی، نرگس سادات بوترابی، پگاه افضلی، زهرا شکر و زهرا بهجتی که ما را در بسامان شدن این اثر گرانقدر یاری و بذل مساعی کردند، و همچنین از دست اندکاران دفتر نشر فرهنگ اسلامی که در خصوص انتشار این مجموعه اهتمام ورزیدند، کمال تشکر و قدردانی را داشته و از خداوند منان امید بهروزی و سعادت برای همه این عزیزان و دیگر بزرگوارانی که ما را در این امر مهم یاری کردند، مستلت می‌داریم.

امید است که این اندک تلاش‌هایمان مورد رضایت خداوند سبحان و روح ملکوتی مولای متقيان امیر المؤمنین علی علیله قرار گرفته و اصحاب فضل و دانایی نیز از این مجموعه گرانسنج و دریای بی کران معرفت و دانایی، بهره کافی و وافی به عمق جانشان بچشانند.

آبانماه ۱۳۹۷ خورشیدی  
برابر با بیستمین سال رحلت  
علامه محمد تقی جعفری

بمنه و فضله و کرمه  
انتشارات علامه جعفری  
علی جعفری

باید

### بگوییم: کلمات

شریف نهج البلاغه از مهم‌ترین  
آثار فرهنگ اسلامی است، چرا که

کلمات امیرالمؤمنین علی علیه السلام در مجموعه

نهج البلاغه، فراسوی زمان است که هرگز فرسودگی راهی  
به آن ندارد. به طور قطع، آنچه در این مجموعه گردآوری شده،  
هم از سخن‌اندیشه است و هم از سخن‌دریافت. همین دو ویژگی  
سترنگ بوده است که اندیشمندان متعددی را برای کاوش در این اقیانوس  
بی‌گران، به تلاش و تکاپویی خستگی ناپذیر واداشته است. در میان شرح‌های  
متعددی که در عصر حاضر بر نهج البلاغه نگاشته شده، ترجمه و تفسیر محمد تقی  
جعفری یکی از مهم‌ترین شروح به شمار می‌رود. او به علت نوع بینش عمیق و  
همه جانبه‌ای که داشت، کوشید در این تفسیر، ابعاد مختلف فلسفی،  
کلامی، معراجی، فقهی، حقوقی، جامعه‌شناسی،  
فلسفه سیاسی، فلسفه حقوق و  
روان‌شناسی کلام مولی  
امیرالمؤمنین علی علیه السلام  
را دریابد.

نشر فرهنگ اسلامی



ISBN 978-964-430-951-9  
9 789644 309519